

بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: روستای کرناچی، شهرستان کرمانشاه)

فرحناز رستمی^{۱*}، مهنا شاهمرادی^۲، سارا بقایی^۳

۱. عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۲۴ - تاریخ تصویب: ۹۲/۹/۳)

چکیده

دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و سلامت هر جامعه است؛ بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه هر کشور، دستیابی به امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی به روش مقطعی و توصیفی-تحلیلی در روستای کرناچی، شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۱ بر ۱۰۰ خانوار بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به وضعیت اجتماعی-اقتصادی از پرسشنامه اطلاعات عمومی و به‌منظور بررسی وضعیت امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد USDA استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون کای اسکور و رگرسیون لجستیک انجام گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر رابطه مثبت و معناداری بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوار با امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه بود، به‌نحوی که رابطه معناداری بین امنیت غذایی خانوار با میزان درآمد ماهیانه خانوار، جایگاه شغلی پدر، وضعیت دارا بودن تسهیلات زندگی، سطح سواد مادر و بعد خانوار مشاهده شد. همچنین، براساس نتایج نهایی رگرسیون لجستیک، از میان مجموع متغیرهای مورد مطالعه، متغیر جایگاه شغلی پدر خانوار، میزان درآمد و وضعیت دارا بودن اقلام زندگی بیشترین تأثیر را در پیشگویی امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه داشتند.

واژه‌های کلیدی: امنیت غذایی، خانوارهای روستایی، عوامل اقتصادی-اجتماعی.

مقدمه

مدیریت توسعه است. تاریخچه بحث امنیت غذایی به بیش از پنجاه سال پیش و اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد (Rahbar & Mobini Dehkordi, 2004). بسیاری از متخصصان و دانشمندان، وقوع قحطی در آفریقا در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۵، مشکلات تأمین حداقل معیشت در بسیاری از کشورهای جهان در زمینه تعدیل ساختاری و درنهایت سیر اندیشه و تجربه در زمینه برنامه‌ریزی چندبخشی تغذیه‌ای را از عوامل افزایش توجه افکار عمومی

غذا و تغذیه از نیازهای اولیه بشری است که نقش آن در سلامت، افزایش کارایی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی، در تحقیقات گسترده جهانی به‌ویژه در دهه اخیر با مبانی علمی و شواهد تجربی تأیید شده (Shakoori, 2004) و تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است. امنیت غذایی به معنای علمی، روشی حساب‌شده برای رفع مشکلات غذا و تغذیه و در چارچوب تعریف‌شده‌ای برای برنامه‌ریزی و

۲. دسترسی به غذا که به سطح فقر، قدرت خرید خانواده‌ها، قیمت‌ها و وجود زیرساخت‌های بازار و حمل‌ونقل و سیستم توزیع غذا وابسته است.

۳. پایداری عرضه و دسترسی که متأثر از آب و هوا، تغییرات قیمت‌ها، بلایای طبیعی و مجموع عوامل اقتصادی و سیاسی است.

۴. استفاده مطلوب از غذای سالم و بهداشتی که به بهداشت و تغذیه، کیفیت و سلامت غذا و دسترسی به آب سالم و امکانات بهداشتی بستگی دارد.

نتایج ترازبایی جایگاه ایران در منطقه آسیای جنوب غربی براساس شاخص‌های تبیین‌گر آسیب‌پذیری و امنیت غذایی توسط Bakhshi et al. (2008) نشان می‌دهد ایران از نظر مصرف سرانه انرژی غذایی در رتبه ششم، از نظر شاخص ترکیبی تغذیه و امنیت غذایی در رتبه دوازدهم، از نظر شاخص دسترسی اقتصادی در رتبه چهاردهم، از نظر شاخص کلان کشاورزی در رتبه پنجم، از نظر شاخص موجودبودن غذا در رتبه پانزدهم، از نظر شاخص فرهنگی - بهداشتی در رتبه دهم و از نظر شاخص کل آسیب‌پذیری در رتبه نهم قرار دارد و رتبه یک را در بین کم‌آسیب‌پذیرترین کشورها در میان بیست کشور منطقه به خود اختصاص داده است. مطالعات انجام‌گرفته در زمینه امنیت غذایی بیانگر آن است که ناامنی غذایی به‌عنوان مشکلی مهم در اکثر جوامع مطرح می‌شود و با میزان غذای دریافتی و وضعیت تغذیه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد (Alaimo et al., 1998). به‌طور کلی سیاست‌های کلان اقتصادی - اجتماعی بر تغییر قیمت‌ها، دستمزدها، اشتغال و ارائه خدمات اثر می‌گذارند که هرکدام از این عوامل می‌تواند بر منابع خانوار برای تأمین امنیت غذایی مؤثر باشد (Derrickson et al., 2001).

Lahelma & Lahteenkorva (2001) معتقدند، هرچند عوامل اقتصادی و درآمدی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در امنیت غذایی و توان بالقوه خانوار در برآورده کردن نیازها دارد، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز نقش شایان توجهی در مدیریت مؤثر بودجه خانوار و انتخاب غذای مناسب با قیمت بهتر دارد. نتایج مطالعات Studder et al. (2001)، Zerafati Shoa (2004) نیز مؤید تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی است؛ به‌عبارت ساده‌تر، گروه شایان توجهی از جامعه هرچند دسترسی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی دارند، اما رفتارها و انتخاب‌های غذایی نامناسبی را نشان می‌دهند که در تحلیل ریشه‌یابی این‌گونه رفتارهای غذایی در

به امنیت غذایی در دهه ۱۹۸۰ می‌دانند (Noori Naeini, 1999). در این دهه، امنیت غذایی و سوءتغذیه به‌عنوان مسئله‌ای مهم و قابل بررسی توسط سازمان‌های بین‌المللی مطرح شد. در ادامه این روند، سازمان‌ها و مراکز گوناگون مانند سازمان ملل متحد، سازمان خواربار کشاورزی و بانک جهانی تلاش‌هایی برای رفع این مشکل آغاز کردند و سعی کردند با تعریف مشخص‌تر از موضوع و ارائه راهکارهای مناسب به کاهش این مسئله مبادرت ورزند (Goudarzi, 2008). در تعریفی پذیرفته‌شده، امنیت غذایی وضعیتی است که همه مردم در تمام ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند (FAO, 2008) و غذای در دسترس، نیازهای رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای زندگی فعال و سالم فراهم کند (Noori Naeini, 1999). درحقیقت، امنیت غذایی بنیان جامعه توسعه‌یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی اعضای آن است و همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه کشاورزی و روستایی ایران در گذشته و حال است و جزء اهداف راهبردی و اولویت‌های برنامه‌های (بلندمدت آینده) چشم‌انداز بیست‌ساله نیز است (Expediency Discernment 2003) Council, تأمین امنیت غذایی در جامعه، به‌عنوان یکی از شروط تحقق امنیت ملی، از وظایف اساسی دولت‌ها در هر کشوری محسوب می‌شود. امنیت غذایی مفهومی چندبخشی و چندرشته‌ای است و مانند بسیاری از مفاهیم نوین توسعه پایدار، اجتماعی و اقتصادی ابعاد مختلفی دارد؛ یعنی امنیت غذایی از یک‌سو شاخص کلی برای سنجش توسعه پایدار است و از سوی دیگر برای سنجش امنیت غذایی از داده‌ها و شاخص‌های مختلفی در زمینه فقر، تغذیه، تولیدات کشاورزی و مواد غذایی، درآمد، خوداتکایی مصرف و... استفاده می‌شود؛ بنابراین مجموعه‌ای از عوامل همچون سیاست تولیدات کشاورزی، نظام توزیع مواد غذایی، منابع طبیعی کشور، الگوی مصرف و تغذیه، نظام یارانه کالاهای اساسی، وضعیت اشتغال و توزیع درآمد، سیاست تجارت خارجی و بالاخره فرهنگ تغذیه‌ای بر آن اثر می‌گذارد (Dini Torkamani, 2000). پیشینه مطالعات و مبانی نظری نشان می‌دهد امنیت غذایی دارای چهار بعد عمده زیر است (FAO, 2006):

۱. در دسترس و فراهم‌بودن غذا (که بر اساس تولید داخلی، ظرفیت واردات، وجود ذخایر و کمک‌های غذایی سنجیده می‌شود).

روستایی، جایی زندگی می‌کنند که مواد غذایی پرورش داده می‌شوند. این افراد عبارتند از افرادی که زمین ندارند یا در مناطقی زندگی می‌کنند که پتانسیل‌های کشاورزی در آن ناچیز یا از نظر محیطی ضعیف است. در مطالعه Jafari sani & bakhshode (2008) برای بررسی وضعیت فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان، شاخص FGT محاسبه و مناطق مختلف استان خراسان رتبه‌بندی و در نهایت نقشه فقر و ناامنی غذایی تهیه شد. نتایج نشان داد در مناطق روستایی به‌طور متوسط ۲۵/۱۴ درصد فقیر و ۱۳/۳۱ درصد از لحاظ کالری مورد نیاز بدن و ۳۱/۳۹ درصد از لحاظ دسترسی به پروتئین مورد نیاز کمبود دارند. این ارقام برای مناطق شهری به ترتیب معادل ۲۹/۹۰، ۱۰/۶۳ و ۱۷/۳۳ درصد است. مطالعه Sharafkhani et al. (2011) به‌منظور بررسی شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوارهای دهستان قره‌سو شهرستان خوی نشان داد، شیوع ناامنی غذایی در منطقه مورد مطالعه ۵۹/۴ درصد است که با افزایش تعداد مراکز ارائه مواد غذایی در روستا، زیربنای مسکونی و تعداد اتاق ناامنی غذایی خانوار کاهش و برعکس با افزایش فاصله روستا از شهر ناامنی غذایی خانوار افزایش می‌یابد. وضعیت مسکن، وضعیت خودرو، وضعیت والدین (تک‌والد بودن یا دو والد بودن) و وضعیت درآمد ماهانه خانوار از دیگر عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوار است. نتایج این مطالعه نیز بیانگر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی خانوار و شیوع بالای ناامنی غذایی در منطقه روستایی مورد مطالعه است. با توجه به نتایج پژوهش Mehrabi Bshrabady & Mousavi Mohammadi (2010)، در بررسی سیاست‌های حمایتی کشاورزی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی ایران، امنیت غذایی خانوارهای روستایی در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۸۵ روند تقریباً صعودی به خود گرفته است، به‌طوری‌که در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۷۰ کشور به دلیل درگیر بودن در جنگ و کاهش تولید با نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و در نتیجه کاهش امنیت غذایی روبه‌رو بوده است، اما در سال‌های بعدی با بهبود امور و اتخاذ سیاست‌های مناسب وضعیت بهتر شد. نتایج پژوهش Goudarzi (2008)، در بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در دهستان ده‌پیر شهرستان خرم‌آباد نشان می‌دهد ۶۷/۳ درصد خانوارهای مورد مطالعه امنیت غذایی ندارند و سرانه مصرف روزانه هریک از اعضای این خانوارها

جامعه، علاوه بر سهم غذا و درآمد خانوار توجه به عوامل اجتماعی- فرهنگی از قبیل سطح سواد سرپرست خانوار، وضعیت شغلی و اجتماعی سرپرست و به‌طور کلی جایگاه اجتماعی- فرهنگی ضروری است (Ghassemi, 1997). نتایج مطالعه مقطعی که (Dastgiri et al., 2006) به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در شهر تبریز در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ صورت گرفت، مؤید تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی است، به‌نحوی که با افزایش بعد خانوار ناامنی غذایی در افراد مورد مطالعه بیشتر و امنیت غذایی کمتر می‌شود و بالعکس با افزایش درآمد سرانه سالانه خانوار، جایگاه شغلی و میزان تحصیلات سرپرست خانوار، امنیت غذایی افزایش و ناامنی غذایی کاهش می‌یابد. همچنین، این مطالعه میزان شیوع ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه را ۳۶ درصد نشان داد. Payap et al. (2011) در بررسی ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی- اقتصادی و تغذیه‌ای مادران دارای کودک دبستانی در شهر ری، دریافتند میزان شیوع ناامنی غذایی در بین جمعیت مورد مطالعه ۵۰/۲ درصد است. همچنین، در این مطالعه تحصیلات بالاتر مادر و همچنین سرپرست خانواده، جایگاه شغلی بالاتر سرپرست خانواده، مالکیت واحد مسکونی و امتیاز بالاتر امکانات و تسهیلات زندگی با ناامنی غذایی ارتباط معکوس داشت و با افزایش بعد خانوار، ناامنی غذایی در افراد مورد مطالعه بیشتر شد. نتایج مطالعه Ghassemi et al. (1996) نشان داد ۲۰ درصد خانوارهای ایرانی امنیت غذایی نداشتند و ۵۰ درصد آن‌ها از کمبود ریزمغذی‌ها رنج می‌برند. همچنین، نتایج مطالعه Karam Soltani et al. (2007) بر خانوارهای یزدی نشان داد ۳۰/۵ درصد خانوارها از کمبود ریزمغذی‌ها رنج می‌برند و در تأمین نیازهای تغذیه‌ای خود با مشکل روبه‌رو هستند. Mohammadi Nasrabadi et al. (2008) در مطالعه تحلیلی، به‌منظور بررسی رابطه امنیت غذایی با وزن اعضای بالای بیست سال خانوارهای ایرانی (۳۴/۹ درصد خانوارهای روستایی و ۶۵/۱ درصد خانوارهای شهری) شرکت‌کننده در طرح جامع مطالعات الگوی مصرف مواد غذایی خانوار و وضعیت تغذیه‌ای کشور در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۱، میزان ناامنی غذایی ۵/۲ درصد خانواده‌ها را شدید، ۵/۶ درصد خانوارها را متوسط، ۱۰/۴ درصد خانوارها را خفیف و ۷۶/۸ درصد را امن طبقه‌بندی کرده‌اند. نتایج بیانگر شیوع ناامنی غذایی بیشتر در خانوارهای روستایی بود. Hosseini (2007) معتقد است تقریباً سه‌چهارم مردم فقیر و گرسنه در مناطق

شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی جامعه در ارتباط است و تعامل دوسویه قرار دارد و اگر کشوری بتواند از نظر شاخص‌های امنیت غذایی به سطح مطلوب پایداری برسد، به‌یقین از نظر سایر شاخص‌ها در سطوح بالاتری از توسعه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه دسترسی به غذای کافی از ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌هاست، دولت‌ها موظف‌اند اقداماتی جدی برای بهبود شرایط تغذیه‌ای توده مردم به‌عمل آورند؛ بنابراین تأمین امنیت غذایی، مستلزم تلاش در راستای فراهم کردن امکان دسترسی تمام خانوارها به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و فقیر به مواد مغذی مورد نیاز است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، با توجه به نقش و جایگاه ویژه جامعه روستایی در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و اهمیت راهبردی بخش روستایی و کشاورزی در بین بخش‌های اقتصادی و دلایل مهم راهبردی بودن آن قبل از همه، به کارکرد آن در تأمین غذای هر کشور مربوط می‌شود. به‌علاوه این بخش، ارتباطات پسین و پیشین را با سایر بخش‌های اقتصادی برقرار می‌کند و فراهم‌کننده نهاده‌های آن‌هاست. همچنین، توسعه انسانی تا حد زیادی در گرو توانایی جامعه در ایجاد امنیت غذایی مطمئن و پایدار است که در سایه کشاورزان توسعه‌یافته میسر می‌شود؛ یعنی هرچه این بخش توسعه‌یافته‌تر باشد، امکان توسعه سایر حوزه‌ها و بهره‌مندی دیگر بخش‌ها به سهولت انجام می‌گیرد (Shakoori, 2004)، به‌طوری‌که پیامدهای توسعه‌نیافتگی آن را می‌توان در فقر گسترده، نابرابری فزاینده، بیکاری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهرها مشاهده کرد. براساس مطالعات بالینی که به‌طور پراکنده در مناطق مختلف ایران انجام گرفت، کمبود آهن، انواع ویتامین‌ها، ید و کلسیم جزء معضلات بهداشتی - تغذیه‌ای کشور به‌ویژه روستاها به‌شمار می‌آیند. همچنین، شیوع کم وزنی و کوتاه‌قدی تغذیه‌ای در کودکان روستایی بیش از دوبرابر کودکان شهری گزارش شد (Goudarzi, 2008)، درحالی‌که جامعه روستایی با بخش کشاورزی به‌عنوان پایه و اساس فعالیت در جامعه روستایی، محور اصلی تأمین امنیت غذایی جامعه است. درواقع، بیش از ۷۸ درصد منابع تأمین امنیت غذایی در حوزه روستاها جای دارند (Rukn, 2004، Eftekhari)؛ بنابراین از یک‌طرف بررسی این موضوع در جامعه روستایی به‌عنوان سنگ بنای سلامت فکری، روانی و جسمی و تخفیف گرسنگی و محو فقر روستاییان حائز اهمیت است و از طرف دیگر به‌منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی

کمتر از الگوی پیشنهادی به‌کارگرفته‌شده است. به‌طور کلی، از میان مجموع عواملی که در این تحقیق به‌عنوان عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در میان اعضای خانوارهای مورد مطالعه مطرح شده‌اند، ویژگی‌های مادران این خانوارها، آگاهی تغذیه‌ای، استقلال مالی و توانایی تصمیم‌گیری بیشترین تأثیر را در امنیت غذایی خانوار داشته‌اند. مطالعات Shariff & Lin, 2004 روی دویست زن روستایی در اندونزی نشان داد ۵۰ درصد از خانواده‌ها دچار ناامنی غذایی بودند. نتایج مطالعه CPS^۱ نشان داد ۱۳/۱٪ از افراد زیر خط فقر دچار ناامنی غذایی و گرسنگی بودند، درحالی‌که ۵۰ درصد از افرادی که دچار ناامنی غذایی بودند، بالای خط فقر قرار داشتند (Rose, 1999). Najafi (1996) معتقد است نداشتن امنیت غذایی و سوءتغذیه، بیشتر حاصل فقر است تا مشکل تولید و عرضه غذا و با اینکه در عرضه محصولات غذایی وضعیت کشور خوب است، دسترسی فیزیکی و اقتصادی جامعه روستایی به مواد غذایی چندان مناسب نیست و نزدیک به ۳۰ درصد جامعه روستایی امنیت غذایی ندارند. این امر بر سلامت جسمی و روحی روستاییان اثر منفی دارد و بر توسعه کشاورزی اثر منفی می‌گذارد که نیازمند فعالیت‌های جسمی بیشتر و کارکرد مطلوب ذهنی و سلامت روستاییان به‌ویژه در روزهای ویژه و بحرانی کشاورزی است. Smith & et al. (1999) به‌منظور بررسی دلایل نداشتن امنیت غذایی در کشورهای درحال توسعه، دو فاکتور اصلی مؤثر بر امنیت غذایی را عرضه غذای کافی و قدرت خرید افراد معرفی کردند و فقر شدید را مهم‌ترین عامل در نداشتن امنیت غذایی دانستند. Ebadi (2005) فقر را علت و ناامنی غذایی را معلول می‌داند و معتقد است گرسنگی نه تنها ناشی از فقر است، بلکه موجب تداوم آن نیز می‌شود و آخرین و غیر قابل قبول‌ترین نشانه فقر مطلق و ناکامی در تأمین نیازهای اولیه انسان‌ها به‌شمار می‌آید. مبتلایان به گرسنگی به‌طور عمده از فقیرترین اقشار اجتماعی در کشورهای درحال توسعه‌اند. دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و سلامت جامعه است؛ بنابراین می‌توان گفت تأمین پایدار و مطمئن امنیت غذایی زمانی اتفاق می‌افتد که شاخص‌های تغذیه‌ای و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی هماهنگ و در کنار هم به حد مطلوب پایداری رسیده باشند؛ به‌عبارت دیگر، امنیت غذایی با

وضعیت درآمد ثابت ماهانه بود. درمورد تسهیلات زندگی، تعداد اقلام مورد دسترس پرسیده شد. داشتن کمتر یا مساوی ۳ عدد از این اقلام به عنوان وضعیت اقتصادی ضعیف، وجود ۴ تا ۶ عدد از این اقلام به عنوان وضعیت اقتصادی متوسط و داشتن ۷ تا ۹ عدد به عنوان وضعیت اقتصادی خوب در نظر گرفته شد (Payap et al., 2011). درمورد وضعیت تملک منزل مسکونی خواسته شد یکی از گزینه‌های ملک شخصی، اجاره یا رهن داده شود و منزل بستگان را انتخاب کنند. همچنین، در این مطالعه برای تعیین وضعیت امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد USDA^۱ استفاده شد. پرسشنامه مذکور یکی از پرسشنامه‌های طرح شده توسط وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۹۵ سنجیده شد و به عنوان پرسشنامه‌ای معتبر برای مطالعات اپیدمیولوژیکی معرفی شد. این پرسشنامه وضعیت امنیت غذایی خانوار را در دوازده ماه گذشته بررسی می‌کند. همچنین، پرسشنامه مذکور در ایران در مطالعاتی مانند Sharafkhani et al. (2011)، (2010) Karam Soltani et al., Mohammad-Zadeh et al. (2008) به کار گرفته و اعتبار آن تأیید شد. امتیازدهی به پرسشنامه به این صورت است که به گزینه‌های هرگز و به ندرت (یک یا دو بار در سال گذشته) امتیاز صفر و به گزینه‌های گاهی اوقات (سه تا ده بار در سال گذشته) و اغلب (بیش از ده بار در سال گذشته) یک امتیاز تعلق می‌گیرد (Bickel et al., 2000). داده‌ها پس از جمع‌آوری به منظور تجزیه و تحلیل وارد نرم‌افزار آماری SPSS16 شدند. طبقات وضعیت امنیت غذایی خانوارها بر اساس امتیازی تعیین شد که از پرسشنامه کسب کرده بودند. به منظور بررسی ارتباط متغیرهای کیفی با وضعیت امنیت غذایی از آزمون کای اسکور استفاده شد و رابطه متغیرهای کمی با وضعیت امنیت غذایی خانوارها با آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه محاسبه شد و برای شناسایی عوامل پیشگویی کننده از رگرسیون لجستیک استفاده شد.

روستاها بسیار مهم است که از توجه به مسائل انسانی و ضرورت‌های سیاسی ریشه می‌گیرد. در نتیجه، با اطلاع از وضعیت امنیت غذایی جامعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن می‌توان به سیاستگذاران، طراحان برنامه‌های توسعه روستایی و سایر نهادهای متولی سلامت جامعه، کمک ارزنده‌ای کرد و گامی مثبت در مسیر توسعه روستایی برداشت؛ بنابراین با توجه به ضرورت مسئله، این مطالعه به تعیین عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی کرناچی در شهرستان کرمانشاه پرداخت. در این راستا، اهداف اختصاصی زیر مطرح اند:

- بررسی و توصیف مشخصات اجتماعی و اقتصادی خانوارهای روستایی مورد مطالعه.
- بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه.
- تعیین ارتباط بین وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی با عوامل اجتماعی، اقتصادی.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش مقطعی و توصیفی-تحلیلی در روستای کرناچی دهستان میان دربند، شهرستان کرمانشاه در بهار ۱۳۹۱ انجام گرفت. این منطقه در فاصله پنج کیلومتری از شهر کرمانشاه واقع است و براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت ۴۸۳۶ نفر و ۱۱۱۹ خانوار دارد که از این میان صد خانوار با موافقت وارد پژوهش شدند. مشخصات اجتماعی و اقتصادی از طریق پرسشنامه اطلاعات عمومی و با مصاحبه حضوری گردآوری شد. این پرسشنامه دربرگیرنده پرسش‌هایی در زمینه سن و جنس فرد پاسخ‌دهنده، سن، سطح تحصیلات و جایگاه شغلی مسئول تغذیه خانوار، تعداد افراد خانواده، فاصله روستا از شهر، وضعیت منزل مسکونی از نظر سطح زیربنا، نحوه تملک منزل مسکونی و تعداد اتاق آن، دارابودن تسهیلات زندگی، تحت پوشش سازمان حمایت‌کننده و

جدول ۱. طبقه‌بندی خانوارها براساس امتیاز برگرفته از Bickel, et al., 2000 Guide to Measuring Household Food Security

وضعیت امنیت غذایی	تعداد پاسخ‌های مثبت
امن غذایی	۰-۲
ناامن بدون گرسنگی	۳-۷
ناامن با گرسنگی متوسط	۸-۱۲
ناامن با گرسنگی شدید	۱۳-۱۸

جدول ۲. مشخصات خانوارهای روستایی مورد مطالعه بر حسب سطوح امنیت غذایی

متغیر	فراوانی	گروه امن غذایی	نامن غذایی بدون گرسنگی	نامن با گرسنگی متوسط	سطح معنی داری
تعداد افراد خانواده	۱-۴	۷	۲۵	۷	*۰/۰۰۲
	۵-۷	۱۶	۱۴	۶	
	بیشتر از ۷ نفر	۹	۳	۳	
سطح سواد پدر	بی سواد	۱۴	۱۹	۱۴	*۰/۰۴۱
	ابتدایی	۷	۴	۵	
	سیکل	۹	۵	۵	
	دیپلم	۲	۱۳	۱	
	لیسانس و بالاتر	۰	۱	۱	
شغل پدر	بیکار	۱	۱۱	۳	*۰/۰۰۰
	کارگر	۳	۸	۱۱	
	کشاورز	۷	۹	۱	
	راننده	۲	۸	۶	
	کارمند	۲	۴	۰	
	مغازه دار	۸	۲	۰	
	بازنشسته	۴	۰	۳	
	سایر	۵	۰	۲	
سطح سواد مادر	بی سواد	۱۶	۱۴	۸	*۰/۰۳۱
	ابتدایی	۴	۶	۱۰	
	سیکل	۱۱	۱۵	۴	
	دیپلم	۰	۷	۳	
سرپرستی خانوار	پدر	۳۱	۳۳	۲۱	*۰/۰۲
	مادر	۱	۹	۳	
	سایر	۰	۰	۲	
مسئول تغذیه خانوار	پدر	۱	۲	۱	۰/۲
	مادر	۳۱	۴۱	۲۳	
	سایر	۰	۰	۲	
سن مسئول تغذیه	کمتر از ۲۰	۱	۲	۰	*۰/۰۳۹
	۲۰-۳۰	۲	۱۳	۵	
	۳۰-۴۰	۴	۵	۸	
وضعیت داشتن اقلام زندگی	بالاتر از ۴۰ سال	۲۵	۲۲	۱۳	*۰/۰۱۸
	ضعیف	۱۱	۲۳	۲۰	
	متوسط	۲۰	۱۹	۶	
وضعیت تملک مسکن	خوب	۱	۰	۰	*۰/۰۲
	شخصی	۲۷	۴۱	۲۱	
	اجاره ای	۰	۴	۱	
زیربنای مسکونی (متر مربع)	کمتر از ۱۰۰	۰	۳	۲	۰/۰۹۸
	۱۰۰-۲۰۰	۱۴	۲۸	۱۴	
	۲۰۰-۳۰۰	۱۰	۴	۳	
	بیشتر از ۳۰۰	۸	۷	۷	
تعداد اتاق	۱	۲	۴	۰	*۰/۰۲
	۲	۱۲	۱۹	۲۰	
	۳	۱۶	۱۷	۳	
تعداد افراد شاغل	۴	۲	۲	۳	۰/۲
	۱ نفر	۱۳	۲۶	۱۷	
	۲ نفر	۱۵	۱۰	۷	
داشتن درآمد ثابت ماهیانه	بله	۱۷	۱۴	۷	۰/۰۸
	خیر	۱۵	۲۸	۱۹	

ادامهٔ جدول ۲. مشخصات خانوارهای روستایی مورد مطالعه بر حسب سطوح امنیت غذایی

سطح معنی داری	نامن با گرسنگی متوسط	نامن غذایی بدون گرسنگی	گروه امن غذایی	فراوانی	متغیر	
	۸	۹	۰	۱۷	کمتر از ۲۵۰	
	۴	۱۱	۵	۲۰	۲۵۰-۳۵۰	
*۰/۰۰۰	۷	۸	۸	۲۳	۴۵۰-۳۵۰	متوسط میزان درآمد ماهانه
	۷	۱۱	۵	۲۳	۴۵۰-۵۵۰	
	۰	۳	۱۴	۱۷	بیشتر از ۵۵۰	
	۴	۷	۰	۱۱	پله	تحت پوشش
۰/۰۵۴	۲۲	۳۵	۳۲	۸۹	خیر	(کمیتۀ امداد و...)
	۲۳	۳۷	۱۷	۷۷	بدون زمین	
*۰/۰۰۲	۲	۰	۷	۹	۱-۵	مساحت زمین (هکتار)
	۰	۴	۲	۶	۵-۱۰	
	۱	۱	۶	۸	بیشتر از ۱۰	
	۲۲	۳۴	۲۹	۸۵	بدون دام	
۰/۱۶	۴	۴	۰	۸	کمتر از ۵ رأس	تعداد دام
	۰	۴	۲	۶	۵-۱۰	
	۰	۰	۱	۱	بیشتر از ۱۰ اراس	
	۱۸	۳۶	۲۳	۷۷	بدون طیور	
۰/۱۸۳	۱	۰	۴	۵	کمتر از ۵ عدد	تعداد طیور
	۴	۴	۴	۱۲	۵-۱۰	
	۳	۲	۱	۶	بیش از ۱۰ عدد	

نتایج

ماهیانۀ خانوار، جایگاه شغلی پدر، سطح سواد پدر، وضعیت تملک مسکن، تعداد اتاق، مسئول سرپرستی خانوار، تحصیلات مادر، سن مسئول تغذیۀ خانوار و داشتن اقلام زندگی بود. به نحوی که با افزایش بعد خانوار، خانوارهایی که مادر سرپرست بود، ناامنی غذایی در افراد مورد مطالعه بیشتر می شود و بالعکس با افزایش درآمد خانوار و جایگاه شغلی پدر امنیت غذایی افزایش می یابد. همچنین، نتایج بیانگر وجود رابطه معکوس بین امنیت غذایی و خانوارهای زن سرپرست بود ($P=0/02$)، اما نتایج مطالعه رابطه معنی داری را بین امنیت غذایی خانوار با سایر متغیرها مانند جنس مسئول تغذیۀ خانوار، تعداد افراد شاغل و داشتن یا نداشتن درآمد ثابت ماهیانه نشان نداد ($P>0/05$).

۶۸ درصد پاسخگویان را زنان خانوار تشکیل دادند. از نظر گروه سنی، متوسط سن پاسخگویان ۳۰/۸۵ سال است. گروه بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه براساس امتیازات کسب شده از پرسشنامه امنیت غذایی (جدول ۱) نشان داد ۳۲ درصد خانواده ها در وضعیت امن غذایی قرار داشتند، ۴۲ درصد خانواده ها در گروه ناامن غذایی بدون گرسنگی و ۲۶ درصد دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط بودند و خانوار ناامن غذایی با گرسنگی شدید در نمونه مورد مطالعه مشاهده نشد (جدول ۲). یافته های این مطالعه بیانگر وجود رابطه معنی داری بین امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه با بعد خانوار، میزان درآمد

جدول ۳. معیارهای معناداری مدل در مراحل مختلف

گام	Chi-square	درجه آزادی	سطح معنی داری
گام اول	۲۴/۳۶۶	۱	۰/۰۰۰
	۲۴/۳۶۶	۱	۰/۰۰۰
	۲۴/۳۶۶	۱	۰/۰۰۰
گام دوم	۱۱/۵۹۶	۱	۰/۰۰۱
	۳۵/۹۶۱	۲	۰/۰۰۰
	۳۵/۹۶۱	۲	۰/۰۰۰
گام سوم	۵/۸۳۰	۱	۰/۰۱۶
	۴۱/۷۹۰	۳	۰/۰۰۰
	۴۱/۷۹۰	۳	۰/۰۰۰

شد. اولی مربوط به گام اول است که در آن فقط متغیر مستقل جایگاه شغلی پدر وارد معادله شد (برابر با ۱۰۱/۰۰۸). دومین مقدار نیز نشان می‌دهد با ورود متغیر مستقل میزان درآمد در مدل، مقدار -2Log likelihood (برابر با ۸۹/۴۱۳) و سومین مقدار مربوط به وضعیت داشتن اقلام زندگی با -2Log likelihood (برابر با ۸۳/۵۸۴) است که نسبت به مقدار اول آن، بهبودی را نشان می‌دهد، به طوری که مقدار آن از ۱۰۱/۰۰۸ به ۸۳/۵۸۴ کاهش یافت.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد حساسیت مدل در تعیین خانوارهای ناامن غذایی براساس متغیر جایگاه شغلی پدر خانوار ۹۱/۲ درصد و حساسیت آن در تعیین خانوارهای امن غذایی ۵۳/۱ درصد است. به طور کلی در این مدل زمانی که فقط جایگاه شغلی پدر خانوار وارد معادله شود، ۷۹ درصد کل است. با ورود متغیر درآمد، حساسیت مدل در تفکیک خانوارهای ناامن غذایی به ۹۴/۱ درصد افزایش یافت و با ورود متغیر وضعیت داشتن اقلام زندگی به طور کلی ۸۰ درصد خانوارها به درستی تفکیک می‌شوند.

برای بررسی اثر عوامل مختلف بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از رگرسیون لجوجیت استفاده شد. به این منظور، از روش پیشرو گام به گام^۱ استفاده شد. از مجموع متغیرهای مستقل مورد مطالعه، در گام اول متغیر جایگاه شغلی پدر خانوار، در گام دوم متغیر میزان درآمد و در گام سوم متغیر وضعیت داشتن اقلام زندگی وارد معادله رگرسیون شدند. بر این اساس، نتایج مطالعه (جدول ۴) نشان می‌دهد متغیر جایگاه شغلی پدر خانوار با بهبود کای اسکوئر برابر با ۲۴/۳۶۶ و سطح معنی داری $p=۰/۰۰۰$ ، متغیر میزان درآمد ماهیانه در گام دوم با بهبود کای اسکوئر برابر با ۱۱/۵۹۵ و سطح معنی داری $p=۰/۰۰۱$ و در گام بعدی متغیر وضعیت داشتن اقلام زندگی با بهبود کای اسکوئر برابر با ۵/۸۳۰ و سطح معنی داری $p=۰/۰۱۶$ وارد معادله شدند. براساس الگوی رگرسیون مطرح شده احتمال امنیت غذایی در نمونه مورد مطالعه ۰/۴۷۱ برآورد شد (جدول ۳).

با توجه به جدول ۴، در نتایج مطالعه، -2Log likelihood که برای برازش مدل استفاده می‌شود، در سه مرحله ظاهر

جدول ۴. آماره‌های برازندگی مدل رگرسیونی

گام‌ها	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
گام اول	۱۰۱/۰۰۸	۰/۲۱۶	۰/۳۰۳
گام دوم	۸۹/۴۱۳	۰/۳۰۲	۰/۴۲۳
گام سوم	۸۳/۵۸۴	۰/۳۴۲	۰/۴۷۸

جدول ۵. دسته‌بندی خانوارهای مورد مطالعه از نظر وضعیت امنیت غذایی

گام‌ها	تعداد مشاهده شده	وضعیت امنیت غذایی		درصد صحت تفکیک
		تعداد مورد انتظار		
		نامن	امن	
گام اول	وضعیت امنیت غذایی	نامن	۶۲	۹۱/۲
		امن	۱۵	۵۳/۱
		درصد کل	-	۷۹
گام دوم	وضعیت امنیت غذایی	نامن	۶۴	۹۴/۱
		امن	۱۸	۴۳/۸
		درصد کل	-	۷۸
گام سوم	وضعیت امنیت غذایی	نامن	۵۸	۸۵/۳
		امن	۱۰	۶۸/۸
		درصد کل	-	۸۰

غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه افزایش می‌یابد. بر مبنای مقدار ثابت و ضریب B، معادلهٔ بهینهٔ رگرسیون متغیرهای وارد شده در معادله را به شرح زیر می‌توان نوشت:

$$1/294 + (\text{میزان درآمد ماهیانهٔ خانوار}) \times 0/466 - 6/945 = \text{برتری لگاریتمی (جایگاه شغلی پدر خانوار)} + 0/524 (\text{وضعیت داشتن اقلام زندگی})$$

جدول ۶ مقدار ثابت، ضریب B، نسبت برتری (Exp (B))، آمار والد (Wald) و... را برای متغیرهای جایگاه شغلی پدر خانوار، میزان درآمد و وضعیت داشتن اقلام زندگی نشان می‌دهد. نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنی‌دار هر سه متغیر است. با افزایش هر کدام از متغیرهای جایگاه شغلی پدر خانوار، میزان درآمد و داشتن اقلام زندگی، احتمال بهبود امنیت

جدول ۶. ضرایب، سطح معنی‌داری و نسبت برتری متغیرهای وارد شده در مدل

گام‌ها	متغیرها	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
گام اول	شغل پدر	۰/۵۳۷	۰/۱۲۳	۱۹/۱۷۰	۱	۰/۰۰۰	۱/۷۱۱
	عدد ثابت	-۲/۸۳۰	۰/۵۵۷	۲۵/۸۳۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۵۹
گام دوم	شغل پدر	۰/۴۹۴	۰/۱۳۷	۱۲/۹۹۷	۱	۰/۰۰۰	۱/۶۳۹
	درآمد	۰/۴۷۷	۰/۱۵۵	۹/۴۹۰	۱	۰/۰۰۲	۱/۶۱۱
گام سوم	عدد ثابت	-۴/۸۰۵	۱/۰۳۰	۲۲/۶۹۹	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
	شغل پدر	۰/۵۲۴	۰/۱۴۹	۱۲/۳۴۴	۱	۰/۰۰۰	۱/۶۸۸
	وضعیت داشتن اقلام زندگی	۱/۲۹۴	۰/۵۵۷	۵/۳۹۳	۱	۰/۰۲۰	۳/۶۴۸
	درآمد	۰/۴۶۶	۰/۱۵۷	۸/۸۱۱	۱	۰/۰۰۳	۱/۵۹۳
	عدد ثابت	-۶/۹۴۵	۱/۴۸۱	۱۲/۹۹۹	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

گرسنگی متوسط) هستند. تحقیقات (Ramesh et al., 2010) در بررسی شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شیراز و ارتباط آن با عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی نشان داد شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای مورد مطالعه ۴۴ درصد (۲۷/۱۸) درصد

یافته‌های بررسی حاضر نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۰ خانوار روستایی مورد مطالعه، ۶۸ درصد خانوارها دچار ناامنی غذایی (۴۲ درصد نامن بدون گرسنگی و ۲۶ درصد نامن با

رفتارهای غذایی در جامعه، علاوه بر سهم غذا و درآمد خانوار، توجه به عواملی به‌ویژه عوامل اجتماعی- فرهنگی از قبیل سطح سواد سرپرست خانوار، وضعیت شغلی و اجتماعی سرپرست و به‌طور کلی جایگاه اجتماعی فرهنگی ضروری است (Ghassemi, 1997). در زمینه ارتباط سطح سواد مادر با امنیت غذایی خانوار، نتایج بیانگر رابطه معنی‌دار معکوسی بین سطح سواد مادران با امنیت غذایی خانوار بود، به‌صورتی که بیشترین خانواده‌های دارای امنیت غذایی، مادران بی‌سواد داشتند. این در حالی است که سایر مطالعات انجام‌گرفته، افزایش سطح سواد مادران را در افزایش آگاهی‌های تغذیه‌ای مؤثر می‌داند و مؤید نقش مثبت آن در افزایش امنیت غذایی خانوار است (Payap et al., 2011)، اما نتایج مطالعه حاضر عکس این قضیه را نشان داد. خانوارهای دارای مادر بی‌سواد بیشترین گروه خانواده‌های امن غذایی را تشکیل می‌دادند که شاید بتوان تأثیر آن را در کاهش مشغله‌های زندگی و اختصاص دادن فرصت بیشتر برای خانواده و همچنین داشتن دانش بومی در زمینه تغذیه در زنان بی‌سواد دانست. همچنین، نتایج بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین بعد خانوار و جنس سرپرست خانوار با نامی غذایی بود، به گونه‌ای که نامی غذایی در خانوارهای پرجمعیت‌تر و زن سرپرست بیشتر مشاهده شد. این نتایج نیز با نتایج مطالعاتی همچون Mohammad Zadehm (2010)، Payap et al. (2011) همسو است. یافته‌های مطالعه Rose & Charlton (2002) در آفریقای جنوبی و Shariff & Khor (2005) در مالزی نیز بیانگر آن است که با افزایش بعد خانوار، فقر و نامی غذایی افزایش می‌یابد. Esmailzadeh et al. (2011) در تفسیر ارتباط بین وضعیت امنیت غذایی و بعد خانوار معتقدند اگر در شرایط ویژه‌ای مانند نوسانات فصلی قیمت مواد غذایی یا ازدست‌دادن موقت شغل، امکان دسترسی خانوار به مواد اولیه تهیه غذا کاهش یابد، هرچه تعداد افراد خانواده بیشتر باشد، مقدار غذای هر فرد کمتر می‌شود. ترکیب و بعد خانوار بر امنیت غذایی اثر می‌گذارد، به گونه‌ای که با افزایش بعد خانوار بر نیازهای حداقلی به مواد غذایی افزوده می‌شود؛ بنابراین با افزایش بعد خانوار، حجم و کیفیت مواد غذایی کاهش می‌یابد و نامی غذایی پدیدار می‌شود. یافته‌های دیگر این مطالعه نشان می‌دهد با افزایش زیر بنای مسکونی، تعداد اتاق، مساحت زمین زراعی، میزان نامی غذایی کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج بیانگر رابطه معنی‌دار بین امنیت غذایی و سن مسئول تغذیه خانوار (مادران) بود. نتایج مطالعات Mohammad Zadeh (2010) و Ramesh et al. (2010) رابطه

نامی بدون گرسنگی، ۱۴/۴ درصد نامی با گرسنگی متوسط و ۱/۸ درصد نامی با گرسنگی شدید) است. Dastgiri et al. (2006) در مطالعه دیگری، شیوع نامی غذایی را در خانواده‌های تبریزی ۳۶/۳ درصد برآورد کرده‌اند. همچنین، et al. Sharafkhani (2011) شیوع نامی غذایی در دهستان قره‌سو واقع در شهرستان خوی را ۵۹/۴ درصد نشان دادند. این نتایج در درجه اول، شیوع نامی غذایی را در درجات مختلف در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد و در درجه بعد اختلاف موجود در شدت نامی می‌تواند ناشی از تفاوت شرایط جغرافیایی، اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی و عادات‌های غذایی جوامع مورد مطالعه باشد. در ادامه روند پژوهش، به‌منظور بررسی اثر متغیرهای مستقل (تعداد افراد خانواده، شغل پدر، سطح سواد پدر و مادر، درآمد، سرپرستی خانوار و...) بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از رگرسیون لججیت استفاده شد. بر این اساس، از مجموع متغیرهای مستقل مورد مطالعه، متغیر جایگاه شغلی پدر خانوار با بهبود کای اسکور برابر با ۲۴/۳۶۶ و سطح معنی‌داری $p=0/000$ ، متغیر میزان درآمد ماهیانه درگام دوم با بهبود کای اسکور برابر با ۱۱/۵۹۵ و سطح معنی‌داری $p=0/001$ و در گام بعدی متغیر وضعیت داشتن اقلام زندگی با بهبود کای اسکور برابر با ۵/۸۳۰ و سطح معنی‌داری $p=0/016$ وارد معادله شدند. این نتایج بیانگر تأثیر مهم و معنی‌دار سه متغیر (جایگاه شغلی پدر خانوار، میزان درآمد ماهیانه و وضعیت داشتن اقلام زندگی) بر بهبود امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه است، به گونه‌ای که با بهبود وضعیت هر کدام از این سه متغیر، وضعیت امنیت غذایی خانوارها به شکل معنی‌داری افزایش یافته است. نتایج مطالعات Dastgiri et al. (2006)، Ramesh et al. (2010)، Sharafkhani et al. و Payap et al. (2011) نیز مؤید تأثیر مثبت این عوامل در بهبود امنیت غذایی خانوارهاست. هرچند عوامل اقتصادی به‌ویژه درآمد به علت افزایش قدرت خرید و دسترسی بیشتر به مواد غذایی، در امنیت غذایی خانوار نقش تعیین‌کننده دارند، اما نباید از نقش سایر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی در مدیریت بودجه خانوار و تعیین نوع مواد غذایی سبد خانوار غافل شد. نتایج مطالعات Studdert et al. (2001) و Zerafati Shoa (2004) نیز بر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی تأکید کرده‌اند؛ به عبارت ساده‌تر، گروه شایان توجهی از جامعه هرچند دسترسی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی دارند، اما رفتارها و انتخاب‌های غذایی نامناسبی را نشان می‌دهند. در تحلیل ریشه‌یابی این‌گونه

مطالعه و ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای برای افزایش سطح آگاهی‌های تغذیه‌ای خانوار می‌تواند در ارتقای امنیت غذایی خانوار مؤثر واقع شود. باید توجه داشت مقوله تأمین امنیت غذایی تنها بر عهده نهاد و ارگان ویژه‌ای نیست، بلکه برای بهبود وضع تغذیه جامعه باید در زمینه چهار عامل اساسی شامل اشتغال‌زایی پایدار و ایجاد درآمد، دسترسی به غذا، فرهنگ و سواد تغذیه‌ای و دسترسی به خدمات بهداشتی، راهکارهای مختلف به‌طور هماهنگ اجرا شود. پرداختن به همه این مسائل نیازمند همکاری و هماهنگی نهادها و ارگان‌های مختلف دولتی و خصوصی (معاونت بهداشتی، آموزش و پرورش، ترویج و آموزش، جهاد کشاورزی، کمیته امداد و...) در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مختلف در سطوح مختلف ملی و محلی است.

آماري معنی‌داری را بین سن مادران و وضعیت امنیت غذایی گزارش نداده‌اند، اما نتایج مطالعه Payap et al. (2011) در بررسی رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری نشان داد بین ناامنی غذایی خانوار با میانگین سن مادران مورد بررسی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد و مادرانی که سن آن‌ها از میانگین سنی آنان از ۳۴/۷ سال بیشتر بود، در معرض احتمال ناامنی غذایی بیشتری قرار داشتند. در نتیجه، با وجود میزان بالای ناامنی غذایی در خانوارهای روستایی مورد مطالعه و تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی خانوارها، ایجاد فرصت‌های اشتغال‌زایی برای افزایش درآمد خانوارهای روستایی، اجرای برنامه‌های ویژه اصلاح شیوه زندگی و عادت‌های نامناسب غذایی در الگوی تغذیه‌ای جامعه مورد

REFERENCES

- Alaimo, k., Briefel, R.R., Frongillo, E.A., Olson, C.M. (1998). Food insufficiency exists in the United States: Results from the third National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES III). *American Journal of Public Health*, 88(3): 419-26.
- Bakhshi, M.R., Samadi, M., Baradaran Nasiri, M. (2008). Maintaining the status of Iran in Southwest Asia on the indicators defining vulnerability and food security. *Agricultural Economics and Development*, 16(63): 21-50. (in Persian).
- Bickel, G., Nord, M., Price, C., Hamilton, W.L., Cook, J.T. (2000). *Guide to measuring household food security*, revised 2000. Alexandria, VA: USDA Food and Nutrition Service; 2000; Available at: <http://www.ers.usda.gov/briefing/foodsecurity>.
- Charlton, K.E., Rose, D. (2002). Prevalence of household food poverty in South Africa: results from a large, nationally representative survey. *Public Health Nutrition*, 5: 383-389.
- Dastgiri, S., Soltanali, M., Totonchi, H., Ostadrahimi, A.R. (2006). Determinants of Food Insecurity: A Cross-Sectional Study in Tabriz. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences*, 6(3): 233-39. (in Persian)
- Derrickson, J.P., Sakai, M., Anderson, J. (2001). Interpretations of the "balanced meal" household food security indicator. *Journal of Nutrition Education*, 33(3):155-60.
- Dini Torkamani A. Food security and its rate in Iran. *Journal of Trade Studies* 2000; 14: 121-148. (in Persian).
- Ebadi, F., Timurid, M.J. (1383). *Introduction to information systems and mapping vulnerability and food insecurity*, agricultural economics Planning Institute, Tehran. (in Persian).
- Esmailzadeh, A., Salehi Abargouei, A., Basirat, R. (2012). The association between household food insecurity and childhood obesity among Iranian school-aged children in Farokhshahr, Koomesh, 13(2): 245-263. (in Persian).
- Expediency Discernment Council, Perspective Document of the Islamic Republic of Iran. (2003). Available from: <http://www.majma.ir>. (in Persian).
- Food and Agriculture Organization. *Agriculture Organization of the United Nations. The State of Food Insecurity in the World 2006 report*.
- Food and Agriculture Organization. *Agriculture Organization of the United Nations, Crop prospects and food situation*, No.1, 2008, Available from URL: www.fao.org/docrep/010/ah881e01.htm, accessed 18 June 2008.
- Ghassemi, H. (1997). *Food and nutrition security*

- in Iran: a study on planning and administration. Tehran: Planning and Budget Organization, IRAN, Tabriz. (in Persian).
- Ghassemi, H., Kimiagar, M., Koupahi, M. (1996). Food and nutrition security in Tehran Province. Tehran: National Nutrition and Food Technology Research Institute. (in Persian).
- Goudarzi, F. (2008). study the factors affecting the food security of rural communities (Case study Dhpyr District of Khorramabad city), MSc Thesis rural development trend of social development, Tehran University, Faculty of Social Sciences. (in Persian).
- Hosseini, E. (2007). Rural development, agriculture and food security. *The Economic Journal*, 2(15): 54-57. (in Persian).
- Jafarisani, M., Bakhshoodeh, M. (2008) Locational distribution of food insecurity in Iranian urban and rural area. *Agricultural Economics and Development Journal*, 61: 103-123. (in Persian).
- Karam soltani, Z., Dorosty motlagh, A., Eshraghian, M.R, Siassi, F., jazayeri, A. (2007). Obesity and food security in Yazd primary school students. *Tehran University Medical Journal (TUMJ)*, 65(7): 68-76. (in Persian).
19. Lahteenkorva, S.S., Lahelma, E. (2001). Food insecurity is associated with past and present economic disadvantage and body mass index. *Journal of Nutrition*, 131(11): 2880-4.
- Mehrabi Bshrabady, H., Mousavi Mohammadi, H. (2010). The impact of government support to the agricultural sector, the food security of urban households in Iran, the letter of *Agricultural Economics*, 4(3): 1-16. (in Persian).
- Mohammadi Nasrabadi, F., Omidvar, N., Hoshyar Rad, A., Mehrabi, Y., Abdollahi, M. (2008). The association between food security and weight status among Iranian adults. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 2: 41-53. (in Persian).
- Mohammad-Zadeh, A., dorosty, A.R, Eshraghian, M.R. (2010). investigate the relationship between food security and social factors - economic and weight status in adolescents, *Iranian Journal of Food Science and Food Technology*, 5(1): 55-62. (in Persian).
- Najafi, G.R. (1996). Poverty , food security and rural communities, *Agricultural Economics and Rural Development Supplement of the poor and vulnerable: 187-213*. (in Persian).
- Noori Naeini, S.m.s. (1999). The global dimensions of food security, *Articles Collections of food security and agricultural development*. Planning and Research Institute of Agricultural Economics, first edition, Tehran. (in Persian).
- Nord, M., Andrews, M. (2009). Carlson Steven. Household Food Security in the United States in 2008. *Economic Research Service report*, No. (ERR-83) 66 pp, November 2009.
- Payab, M., Dorosty Motlagh, A.R, Eshraghian, M.R, Siassi, F., karimi, T. (2011). The association between food insecurity, socio-economic factors and dietary intake in mothers having primary school children living in Ray 2010, *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 7(1): 75-84. (in Persian).
- Rahbar, F., Mobini Dehkordi, A. (2004). New approach to food security strategy (in terms of stable supply of food), *Journal of Economic Studies*, 14: 1-18. (in Persian).
- Ramesh, T., Dorosty Motlagh, A.R., Abdollahi, M. (2010). Prevalence of household food insecurity in the City of Shiraz and its association with socioeconomic and demographic factors, 2008. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 4 (4) :53-64. (in Persian)
- Rose, D. (1999). Economic determinants and dietary consequences of food insecurity in the United States. *Journal of Nutrition*, 129: 517-520.
- Rukn Eftekhari, A.R. (2004). The Role of Rural Food Security, *Proceedings of the first conference on national agricultural development, agricultural economics Planning Research Institute, Tehran*. (in Persian).
- Shakoori, A. (2004). food security and access to it in Iran, *Social Science Journal*, 24: 133-160. (in Persian).
- Shariff, Z.M., Lin, K.G. (2004). Indicators and nutritional outcomes of household food insecurity among a sample of rural Malaysian women. *Pakistan Journal of Nutrition*, 3: 50-55.
- Sharafkhani, S., Dastgiri, S., Gharaaghaji ASI, R.,

- ghavamzadeh, S. (2011). Prevalence and factors affecting household food insecurity: a study Ghara Sou Village, Khoy city – 1388, Urmia Medical Journal, 22 (2): 123-128. (in Persian).
- Smith, L. C., Amani, E. E., Helen, H. J. (1999). The Geography and Causes of Food Insecurity in Developing Countries. *Agricultural Economics*, 22(2): 199-215.
- Studdert, L.J., Frongillo, E.A., Valoist, p. (2001). Household food insecurity was prevalent in Java during Indonesia's economic crisis. *Journal of Nutrition*, 131(70): 2685-91.